

اصطلاحی فلسفی در ادبیات سغدی بودایی

زهره زرشناس (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

زبان سغدی، از گروه شرقی زبان‌های ایرانی میانه، زبان سرزمین سغد (ناحیه‌ای میان سیحون و جیحون) بوده است. سمرقند، پایتخت سغد، نقشی راهبردی (استراتژیک) در جاده ابریشم (میان چین و آسیای غربی) داشته و زبان سغدی، به واسطه وجود بازرگانان سغدی، زبان میانجی^۱ ترکستان چین بوده است. در این ناحیه، به ویژه در تون‌هوانگ و نواحی حوالی تُرفان، بیشترین حجم دست‌نوشته‌های سغدی به دست آمده است که در مجموعه‌های برلن، پاریس، لندن و سن‌پترزبورگ نگهداری می‌شود (۱).

به رغم گستره پر دامنه قلمرو زبان سغدی، تفاوت‌های گویشی در آثار مکتوب موجود این زبان بسیار اندک است. این بدان معنا نیست که متن‌های سغدی از نظر زبان‌شناختی هم‌سان‌اند. تفاوت وجود دارد اما بیش از آن که گویشی باشد املائی و نمودار تأثیر عوامل تاریخی است. بی‌تردید، در نواحی دور از پایتخت، تفاوت‌های گویشی وجود داشته که لزوماً به کتابت در نیامده است. رد پای آنها را می‌توان در گویش یغناپی امروزی (در ناحیه کوهستانی دره علیای زرافشان) و یا در بعضی از واژه‌های دخیل سغدی (۲) در زبان فارسی مشاهده کرد.

زبان سغدی، از نظر تنوع و حجم ادبیات مکتوب، مهم‌ترین زبان ایرانی شرقی است. بازرگانان هندوستان سغدی، که بیشتر آنها پیرو ادیان بودایی و مانوی و مسیحی بودند،

1) lingua franca

افزون بر انتقال کالا و فرهنگ و هنر میان دو جهان شرق و غرب (چین و ایران و هند و روم)، به تبلیغ دین‌های بودایی و مانوی و مسیحی در میان اقوام آسیای مرکزی و چین نیز پرداختند. آنان، با ترجمه متون بودایی و مانوی و مسیحی به زبان سغدی، علاوه بر ترویج آن ادیان در میان این اقوام، برگنجینه ادبیات زبان سغدی افزودند. از این رو، متون موجود سغدی بیشتر دینی و متأثر از سه دین مذکور است و، به این اعتبار، به سه گروه متون سغدی بودایی، متون سغدی مانوی و متون سغدی مسیحی دسته‌بندی می‌شود. بررسی مدارک به دست آمده حکایت از آن نیز دارد که پیروان هر یک از این ادیان، شیوه نوشتاری خاصی برای تبلیغ عقاید خود برگزیدند. در حقیقت، تنوع فرهنگی و دینی در خط و نحوه نگارش آنان بازتاب یافته است. متن‌های سغدی بودایی به خط سغدی (۳)، متن‌های سغدی مانوی به خط مانوی (۴) و متن‌های سغدی مسیحی به خط سریانی (۵) نوشته شده‌اند.

سغدیان، در جریان مهاجرت‌های متعدد از خاستگاه اصلی خود (دره زرافشان و سمرقند)، قریزستان امروزی را پشت سر گذاشتند و در ترکستان چین و مغولستان و حتی در شهرهای بزرگ چین مستقر شدند و، از سوی دیگر، تا آمودریا و بلخ پیش رفتند. در آن جا بود که با آیین بودا آشنا شدند (۶) و این آیین را تا مشرق آسیای مرکزی و چین به همراه بردند.

متن‌های سغدی بودایی (۷)، که در حقیقت آثار بازمانده ادبیات بودایی به زبان سغدی است، شاید پر حجم‌ترین آثار ادبی زبان سغدی باشد. این آثار، در صومعه‌های آسیای مرکزی، از اصل چینی و هندی به زبان سغدی ترجمه شده‌اند و محتوای آنها از مکتب مه‌ایانه^۲ بودایی نشئت گرفته است. ادبیات سغدی بودایی (۸) نوعی ادبیات ترجمه‌ای و مشحون از اصطلاحات فلسفی و احکام آیین بوداست و بخش اعظم آن نمودار ادبیات بودایی چینی است که غالباً از آن ترجمه شده است (۹). بسیاری از متن‌های بودایی شناخته سغدی بازتاب نسخه‌های چینی آثار مکتوب آیین بوداوند تا بدان جا که ویژگی‌های واژه‌شناختی و اصطلاحی و سبکی نسخه‌های چینی مستقیماً در ترجمه سغدی نمایان شده است. حتی در متن سغدی «سوتره‌ای اندر نکوهش نوشیدنی

مستکاره» (۱۰)، که بر اساس بُن نوشته‌اش^۲ باید از متنی هندی ترجمه شده باشد، ویژگی‌های بیانی خاص متن‌هایی که به وضوح ترجمه از چینی جلوه می‌کنند مشاهده می‌شود. چنان‌که مکنزی (۱۱) خاطر نشان می‌سازد، احتمالاً ذکر این مطلب که متن «سوتره» از هندی ترجمه شده چندان آگاهانه نبوده و صرفاً به منظور کسب اعتبار برای این متن بوده است.

مترجم سغدی، هرگاه که نتوانسته است واژه یا عبارتی سغدی برای برگرداندن تعبیر یا اصطلاحی خاص بیابد، به ترجمه تحت‌اللفظی آن پرداخته است (۱۲). حتی، در بعضی موارد، تنها به آوانویسی واژه‌های مبهم چینی به خط سغدی اکتفا کرده است (۱۳).

تاریخ ترجمه متون سغدی بودایی روشن نیست. تنها، در یک مورد، تاریخ ترجمه (۷۲۸ میلادی) مشخص است (۱۴). بنابراین، احتمال می‌رود که بخش بزرگی از این متون ترجمه‌ای متعلق به دوره اصلی سلطنت سلسله تانک در آسیای مرکزی (نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم میلادی) باشد (۱۵).

گفتیم که متن‌های سغدی بودایی ترجمه‌هایی از آثار بودایی چینی یا هندی‌اند و، از این رو، وجود اصطلاحات خاص آیین بودا در آنها بارز و نظرگیر است. درک و فهم این متن‌ها بدون مراجعه به اصل چینی یا هندی آنها اغلب دشوار و گاه غیر ممکن است. احتمالاً صورت سغدی واژه‌ها، در اثر تغییرات ناشی از نقش‌های دستوری، از صورت‌های سنسکریت دور شده‌اند.

در این جا، واژه درمه (۱۶)، که در آیین بودا فراوان به کار برده می‌شود و در متن‌های سغدی بودایی به دفعات آمده است، عیناً همان‌طور که در متن‌های سغدی آمده، بررسی می‌شود. این واژه، که هسته مرکزی تعالیم بودایی است و به صورت‌های «دارما، درما، دممه، ذمه و ذومه» در ترجمه‌های آثار بودایی به زبان فارسی وارد شده، در زبان سنسکریت به صورت *dharma* آمده است (۱۷). ریشه *dhṛ-* به معنای «حمل کردن، بار کشیدن، نگاه داشتن، حمایت کردن» است و با پسوند *-ma* اسمی به معنای «قانون، فریضه، حکم و آیین» می‌سازد (۱۸). اما، در آثار بودایی، درمه به معنای «قانون، آیین بودا، حالات جان، عنصر سازنده طبیعت یا سرشت هر چیز، حقیقت، سلوک، دادگری،

رستگاری، آیین، مبانی آیین، دین، تعلیم، آموزه، کیفیت، موضوع اندیشه، نمود، شیء، پدیده» و مانند اینهاست. درمه قانونی است معرّف نظام جهان، از گردش روز و شب گرفته تا مرگ و زندگی. این واژه بر یافتن طریق رستگاری و راه داد و ستد بین انسان‌ها نیز دلالت دارد. پس درمه حق و عدالت و حقیقت و طبیعت راستین چیزها و پدیده‌هاست. این واژه، مانند واژه «حق» در سنت اسلامی، لفظی است دارای حوزه دلالت گسترده که هیچ معادل هم‌طرازی در زبان دیگر برای آن نمی‌توان یافت و، در عین آن که دارای مفهومی است هر چه نزدیک‌تر به مفهوم دین و آیین در سنت ما، دلالت‌های گسترده‌تری دارد. معنای مراد درمه را باید، بر اساس متنی که در آن به کار رفته، دریافت. واژه form در زبان انگلیسی شاید یکی از نزدیک‌ترین معادل‌ها برای آن باشد. معنای آن را می‌توان ذیل پنج عنوان آموزه، حق، وضع، پدیده و حقیقت غایی بیان کرد (۱۹). این واژه در متن‌های سغدی بودایی به دو صورت آمده است:

الف) δrm که در زبان سغدی / $\delta arma$ / تلفظ می‌شده است و در متن‌های سغدی بودایی زیر دیده می‌شود:

متن SCE (۲۰)، سطرهای ۵، (۸۱، ۱۷۸)؛ ...؛

متن VIM (۲۱)، سطرهای ۱۸۳ و ۱۹۱؛

متن DHY (۲۲)، سطرهای ۳۹۰ و ۳۹۲.

این واژه در عبارت معروف به سه پناه یا سه گوهر ($\delta rm^2 t snk^2 t pwty^2$ ؛ معادل سنسکریت: (Buddha و dharma و samgha)، که مراد از آن «بودا، آیین بودا، انجمن رهروان» است، بارها در متن‌های سغدی بودایی به کار رفته است؛ برای مثال، در متن DHY، سطر ۱۳۱ و در متن P6، سطر ۲۰.

واژه δrm در عبارات و ترکیبات ذیل نیز دیده شده است:

$\delta rm pr\beta yrn^2 k$ ، به معنای «بیان‌کننده یا مفسر درمه» (معادل سنسکریت: dharma

bhāṇaka به معنای «واعظ بودایی») در متن DHY، سطر ۱۳۰؛

$ptkr^2 k \delta rm$ ، به معنای «درمه پیکر» (معادل سنسکریت: saddharmapratirūpaka به

معنای «کاربرد معیار دروغین در آیین حقیقی (آیین بودا)» یا «مسخ معنای باطنی به رغم

حفظ ظاهر (التفاط)») در متن P6 (۲۳)، سطر ۸۵؛

$pw^2 n^2 k \delta rm$ ، به معنای «درمه بودا» (معادل سنسکریت: buddha dharma به معنای

- «درمه بودا» در متن VIM، سطرهای ۲۸، ۲۹، ...؛
- $pwrt^3yšty \delta rm$ به معنای «درمه بودایان (= روشن شدگان)» (معادل سنسکریت: مانند مورد قبل)، در متن DHY، سطر ۱۶۵؛
- $wyztw \delta rm$ به معنای «درمه حقیقی و راست» (معادل سنسکریت: saddharma به معنای «آیین حقیقی، آیین نیک، درمه راست آیین») در متن SUV (۲۴)، سطرهای ۳۱ و ۳۳؛
- $\delta rm ckk\bar{r}$ به معنای «چرخ درمه، چرخ قانون» (معادل سنسکریت: dharmacakra به معنای «چرخ آیین» (نامی است برای آیینی که بودا چرخ آن را به گردش در آورده است یعنی «چهار حقیقت عالی»)، در متن DHY، سطر ۳۱۷.
- واژه δrm در متن‌های سغدی بودایی و در بعضی عبارات و ترکیبات به صورت $\delta rm^3yk^{(2)}$ نیز آمده است که در زبان سغدی / $\delta armik$ / تلفظ می‌شده و به معنای «درمه‌ای، قانونی، مطابق با شرع و سنت» است؛ برای مثال، در متن‌های SCE، سطرهای ۵۶ و ۵۰۶ و SUV، سطر ۲۵.
- عبارات و ترکیبات زیر نیز دیده می‌شود:
- $nwšmync \delta rm^3yk^{(2)}$ به معنای «انوشگی درمه‌ای، (ذات) بی‌مرگ قانون» (معادل سنسکریت: amṛtadharma به معنای «درمه جاوید، درمه افشردۀ نامیرایی») در متن VIM، سطر ۹۴؛
- $\delta rm^3yk^{(2)} \delta r\delta r$ به معنای «بوم درمه، بوم آیین» (معادل سنسکریت: dharma dhātu به معنای «ذات یا عنصر درمه، ذات یا مغز واقعیت، یکی از ۱۸ بوم بودائی‌ان یعنی یکی از ۱۸ عنصر یا ذات جسمانی و روانی» (۲۵)) در متن SUV، سطر ۳۷؛
- $\delta rm^3yk^{(2)} \beta s^3nt^3$ به معنای «فرزند درمه، پسر قانون» (معادل سنسکریت: dharma putra به معنای «پسر درمه، پسر آیین» (۲۶))، در متن DHY، سطر ۳۶۵؛
- $\delta m^3yk^{(2)} CWRH (yr^3yw(h))$ به معنای «تین درمه، جسم قانون» (معادل سنسکریت: dharmakāya به معنای «کالبد آیین، کالبد درمه، نام یکی از سه کالبد بودا» (۲۷))، در متن DHY، سطر ۲۷۲؛
- $\delta rm^3yk^{(2)} šmn^3$ به معنای «راهب درمه» (معادل سنسکریت: dharmapati* به

معنای «درمه بُد، سرور و حافظِ قانون و نظم»، در متن SCE، سطرهای ۵۰۶-۵۰۷؛
 $w^3y\delta^{\text{c}} \delta rm^3yk^{\text{c}}$ ، به معنای «واژه درمه، واژه قانون» (معادل سنسکریت:
 dharmavāc* به معنای «واژه درمه، کلام آیین» (۲۸))، در متن SCE، سطر ۵۶ و در متن
 VIM سطرهای ۷۶ و ۱۳۵؛

$wy\delta y^{\text{c}} \delta rm^3yk^{\text{c}}$ ، به معنای «شادمانی درمه، شادی قانون» (متن سنسکریت:
 dharmanandī به معنای «لذت قانون، شادی (نشئت گرفته از) آیین» در متن
 VIM، سطرهای ۶۸-۶۹؛

$\delta \beta ry^{\text{c}} \delta rm^3yk^{\text{c}} \delta w^{\text{c}} pr(w) L^{\text{c}}$ ، به معنای «نه در دو دروازه درمه» (معادل
 سنسکریت: advayadharmamukha، به معنای «دروازه درمه نه دویی، مدخل درمه عدم
 ثنویت» و یا «آستانه درمه توحیدی»)، در متن VIM، سطرهای ۱۸۵، ۱۹۴، ۱۹۹ و ۲۰۵.
 ب) $p\delta kh$ (۲۹)، که در زبان سغدی /paδka/ تلفظ می شده و به معنای «قانون، سنت،
 قضاوت، رسم و موضوع» است. این واژه در زبان آسی به صورت fādḡ آمده و در هر سه
 متن سغدی بودایی و مانوی و مسیحی به صورت های زیر به کار رفته است:

$p\delta kh$ ، $pw \delta kh$ با تلفظ /pu paδka/، به معنای «غیرقانونی»؛ $p\delta kcyk$ با تلفظ
 /paδkčik/، به معنای «قانونی»؛ $p\delta kmync$ با تلفظ /paδkmēnč/، به معنای «قانونی».

مترجمان سغدی متن های سغدی بودایی واژه $p\delta kh$ را در موارد ذیل برای برگردان
 مفهوم واژه dharma به زبان سغدی برگزیده اند:

متن VIM، سطرهای ۱۹۲ و ۲۰۲؛ متن PADM (۳۰)، سطر ۳۵؛ متن VAJ (۳۱)،
 سطر ۱۴؛ متن SUV، سطرهای ۷، ۹، ۱۲ و ۲۷؛ متن VAJII (۳۲)، سطر ۴.

این واژه در ترکیبات و عبارات زیر نیز دیده می شود:

$p\delta kh \delta^{\text{c}} p^{\text{c}} kh$ ، به معنای «قانون درمه، مقررات قانون» (معادل سنسکریت:
 siddhānta، به معنای «عقیده و نظر، عقیده دینی، آموزه، علم متعارفی، حقیقت
 آشکار»)، در متن SCE، سطرهای ۳۶۲-۳۶۳؛

$pnc \ wkry \ p\delta kh$ ، به معنای «پنج درمه، پنج قانون» (معادل سنسکریت:
 pañcadharmāḥ به همان معنا) در متن DHY، سطر ۱۳۶؛

$\delta^{\text{c}} \delta t \ wkry \ \delta^{\text{c}} k^{\text{c}} \beta tch \ p\delta kh$ ، به معنای «هشت درمه ناراست، هشت کژ آیینی، هشت
 قانون ارتدادی» (معادل سنسکریت: aṣṭaumithyātvaṇī*، به معنای «هشت (قانون)

بدعت‌گذارانه خلاف آیین»، در متن VIM، سطر ۱۶؛

$^2pw^2rkwn^2y \text{ } \delta kh$ ، به معنای «درمه بی‌کرداری، قانون بی‌اثری» (معادل سنسکریت: *asamskṛtadharma*، به معنای «درمه بدون پیوند، درمه ناشده نامشروط و نیامیخته و ناساخته (۳۳)، امر شکل نیافته»، در متن VIM، سطرهای ۲۶-۲۷؛

$prw L^2 \text{ } ^2z^2yt \text{ } \delta kh \text{ } ZKw \text{ } pt \text{ } ^2wyn^2k \text{ } wky$ به معنای «در درمه نا-زاده گونه برتابنده (۳۴) (= بردبار) (معادل سنسکریت: *anupāda (dharma) kṣānti*، به معنای «درک صبورانه در خصوص اشیایی که متولد نشده‌اند»، «(قانون) بردباری بررهایی از چرخه زادمرد»، «دانش بدون اصل بودن (وضع وجود)» که دهمین دانش از ده دانش (*jñāna*) است، و یا «درمه ازلی حلیم»، در متن VIM، سطرهای ۱۹۳-۱۹۴؛

$p^2zn \text{ } (p\acute{s}m^2r) \text{ } \delta kh$ ، به معنای «درمه دل، درمه جان، درمه اندیشه» (معادل سنسکریت: *cittadharma*، به معنای «درمه دل، درمه جان، درمه دانستگی»، در متن SUV، سطرهای ۳۲ و ۳۵؛

$wy^2zrw \text{ } \delta kh$ به معنای «درمه راست، درمه حقیقی» (معادل سنسکریت: *saddharma*، به معنای «آیین حقیقی، آیین نیک»، در متن P2 (۳۵)، سطر ۷۵۱؛

$ZK \text{ } wysp \text{ } r^2\delta h \text{ } \delta kh$ ، به معنای «تمامی راه درمه (ها)» یا «درمه هر راه، درمه همه راه» (۹) (معادل سنسکریت: *pāṣaṇḍa*، به معنای «بدعت‌گذارانه و ارتدادی، کژ آیینی» یا «بدعت کثرت‌گرایانه»، در متن VIM، سطر ۱۲۶.

بررسی واژه درمه و وجود معادل‌ها و ترکیبات گوناگون آن در زبان سغدی ضرورت فراهم ساختن واژه‌نامه‌ای سه زبانه از اصطلاحات بودایی متن‌های سغدی همراه با معادل سنسکریت و چینی (در صورت امکان) و فهرستی از برگردان‌های هر اصطلاح در زبان سغدی به همراه معادل فارسی آنها را به خوبی نشان می‌دهد. این واژه‌نامه برای فارسی‌زبانان بسیار سودمند خواهد بود و به درک روشن‌تر مفاهیم بودایی کمک شایانی خواهد کرد. از آن جا که زبان سغدی از خانواده زبان‌های ایرانی و دارای پیوندی نزدیک با زبان فارسی است و بسیاری از واژه‌های آن از دیرباز به آثار کلاسیک ادب فارسی راه یافته است و اینک نیز به خوبی در فارسی معاصر از آن استفاده می‌شود (۳۶)، فهرست موصوف راهنمایی مؤثر در واژه‌گزینی نیز خواهد بود. با تهیه فهرست واژه‌های سغدی-سنسکریت-چینی امکان انتخاب نزدیک‌ترین معادل‌ها از نظر زبان‌شناسی

(آوایی و ریشه‌شناسی) در زبان فارسی پدید خواهد آمد، گذشته از آن که همانند چراغی، راه‌گشا و روشن‌کننده راه محققان و دانش‌پژوهان زبان‌های ایرانی در مطالعه و بررسی متن‌های بودایی سنسکریت و چینی نیز خواهد بود.

یادداشت‌ها

- ۱) برای آگاهی بیشتر، از مجموعه‌های مذکور - قریب ۱۳۷۱، ص ۹۳-۹۶.
- ۲) δ و θ ی سغدی در فارسی به صورت / ظاهر می‌شوند. برخی از وام-واژه‌های سغدی در زبان فارسی نظیر واژهٔ *مُل* تأییدی بر این معنی‌اند - زرشناس ۱۳۶۹ (ب)، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ HENNING 1939 pp, 93-106
- ۳) این سه‌گونه نوشتاری از خط آرامی منشعب شده‌اند. خط سغدی در نامه‌ها، اسناد، سنگ‌نیشته‌ها، سفال‌نوشته‌ها، بعضی از متن‌های مانوی و تعداد کمی از متن‌های مسیحی به کار رفته است.
- ۴) خط مانوی را، با الهام از خط سریانی، مانوی وضع کرده است
- ۵) خط سریانی متن‌های سغدی مسیحی از سترنجیلی نسطوری اقتباس شده است.
- ۶) آیین بودا از زمان پادشاهی کنیشکا (Kanishka) ی اول، حامی بزرگ آن، در بلخ و به طور کلی در آسیای مرکزی گسترش یافت. بلخ در این زمان زیارتگاه بوداییان و محل معبد معروف نوبهار بود - زرشناس ۱۳۷۶.
- ۷) در این مقاله، فقط شرح مختصری از متن‌های سغدی بودایی آمده است. برای آگاهی بیشتر از این متن‌ها و نیز متن‌های سغدی مانوی و مسیحی - قریب ۱۳۷۴، ص نوزده - بیست و چهار؛ نیز - Sims-Williams 1989, 174-5
- ۸) در حال حاضر توصیف دستوری خاصی از زبان سغدی متون ترجمه‌ای بودایی در دست نیست. دستور زبان گوتیو-بنونیست. (CAUTHIOT-BENVENISTE 1914-29)، هر چند بر اساس متن‌های سغدی بودایی تدوین شده است، کهنه شده و دیگر روز آمد نیست. شایان ذکر است که دستور زبان گرشویچ (GERSHEVIRCH 1954)، اگر چه بر اساس متن‌های سغدی مانوی تألیف شده، برای متن‌های سغدی بودایی نیز سودمند است، چون مثال‌های سغدی بودایی بسیاری را نیز شامل می‌شود.
- ۹) داستان بلندی «وستره جاتکه»، *Vessantara Jātaka* «(قریب ۱۳۷۱؛ نیز BENVENISTE 1944) در میان آثار ادبی سغدی بودایی از این قاعده مستثناست و احتمالاً، همان طور که سیمز ویلیامز (Sims-Williams 1989, p. 175) نیز خاطر نشان ساخته است، خود تألیفی مستقل و یا بازنویسی داستان تولد بودا به زبان سغدی است.

11) Mackenzie 1976, p. 7.

۱۲) برای مثال، واژه سغدی *Vimalakīrtinirdeśa sūtra* چندان مفهوم نیست مگر آن که فرض کنیم ترجمه‌ای تحت اللفظی از نسخه چینی باشد ← Uz 1980, p 7.

۱۳) برای مثال، مترجم سغدی زبان «سوتره علت و معلول عمل» چندین واژه مبهم چینی را به خط سغدی آوانویسی کرده و در برگردان سغدی گنجانیده است. ← Mackenzie 1970, pp. 42-77

۱۴) این تاریخ مربوط به ترجمه «سوتره‌ای اندر نکوهش آشامیدنی مستکاره» است ← Mackenzie 1976, p. 8.

15) → Uz 1980, p 8

و نیز برای آگاهی از فهرست آن دسته از متن‌های سغدی که می‌توان آنها را با یکی از متن‌های چینی برجای مانده شناسایی کرد ← Ibid, pp 9-10

۱۶) یکی از مشکلات نقل این گونه واژه‌های بیگانه در زبان فارسی عدم تطبیق نظام آوایی دو زبان است. برای مثال، در این واژه، واج دمیده *dh* وجود دارد که تلفظ آن برای فارسی زبان دشوار است. برگردان *dh* و دیگر واج‌های دمیده هندی در فارسی مسئله و ابهام پدید می‌آورد، واج *a*ی پایانی، که معمولاً در زبان فارسی این تمایل وجود دارد که به صورت */ā/* تلفظ شود، مورد دیگری از این دشواری است. اگر *a*ی پایانی به صورت *a* با *a* (فتحه یا زبر) نوشته شود، چه بسا، بنا بر تمایل فارسی زبان (گونه تهرانی)، کسره یا زبر خوانده شود و اگر به صورت *ā* برگردان شود با شکل مؤنث واژه تداخل خواهد یافت. همین گونه مشکلات موجب پدید آمدن صورت‌های گوناگون واژه *dharma* در زبان فارسی شده است.

۱۷) این واژه ساخته و پرداخته بوداییان نیست و پیش از پیدایش آیین بودا نیز به کار رفته است. مثلاً، در دوران ودایی، به شکل *dharma* به معنای «دارنده و نگهدار قانون» به کار رفته است و رفته رفته معانی «سرشت هر چیز»، «قانون مرسوم»، «حکم و قانون دین» و «وظیفه و تکلیف» را پیدا کرده است؛ سپس همه این معانی را یک جا در بر گرفت و، سرانجام، آن را «دارنده و نگهدارنده جهان و جامعه» دانستند و بر آن بودند که «درمه در این جهان برترین است» و «نیرومندترین پناه است» ← پاشایی ۱۳۶۹، ص ۱۷۵؛ نیز برای آگاهی بیشتر از معانی گوناگون این واژه ← همان، ص ۱۷۶-۱۸۱.

18) → Whitney 1973, § 1166.

۱۹) اصطلاحات فلسفی سنسکریت بسیار سنجیده و دقیق است و چه بسا که یک واژه بر معانی چندی دلالت کند، بر حسب آن که به کدام یک از مکاتب فلسفی هندی تعلق داشته باشد. از این رو، برگزیدن و یافتن معادل‌های فارسی و عربی در برابر آنها بسیار دشوار است. برای آگاهی بیشتر از معانی واژه درمه در آیین بودا ← پاشایی ۱۳۵۷، ص ۲؛ همو ۱۳۶۸، ص ۵۲۲؛ همو ۱۳۶۹، ص ۱۷۶-۱۸۱؛ نیز ← شایگان ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰؛ شومان ۱۳۶۲؛ ص ۹۲-۹۴؛

COOMARASWAMY 1974: pp. 81-94; Edgerton 1970, *dharmā*; Humphreys 1962, *Dhamma*;
Monier-Williams 1974, *dharmā*.

20) SCE=*Sūtra of the Causes and Effects of Actions* → Mackenzie 1970.

21) VIM.= *Vimālakīrtinirdeśasūtra* → Mackenzie 1976, pp. 20-30.

22) DHY= *Dhyāna* → Ibid, pp. 54-76.

23) P6= *Bhaisajyaguruvaḍḍīyaprabhātathāgatasūtra* → Benveniste 1940, 1-197.

24) SUV=*Suvarṇaprabhāsa*, → Müller-Lenz 1934, pp. 539-544.

۲۵) برای آگاهی بیشتر ← پاشایی ۱۳۶۸، ص ۵۵۳-۵۵۴.

۲۶) شاید اشاره به مفهوم تجسد خدا داشته باشد. هر چند این مفهوم، در شکل تفصیلی آن، در مسیحیت مطرح شده، اما نوعی بیان تجلیات سه گانه خداوند را در آیین هندو نیز شاهدیم. مع الوصف، در آیین بودا معادلی برای آقانیم سه گانه نیافته‌ام.

۲۷) این کالبد ذاتی روحانی دارد و در میان همه بودایان (=روشن شدگان) مشترک است و، به لحاظ علو مرتبه، از دو کالبد دیگر برتر است. این کالبد سبب اتحاد روحانی بوداییان با تمام هستی می‌گردد. نیز برای آگاهی بیشتر ← شومان ۱۳۶۲، ص ۱۱۳-۱۱۶.

۲۸) در فرهنگ‌های اسطوره‌ای (mythologic) و دینی، کلمه معنایی ماورایی و مقدس دارد. در واقع، به تعبیری، معادل «انکشاف معنا» و «تجلی حقیقت» است. باید توجه داشت که زبان در این فرهنگ‌ها ساخته و آفریده ذهن بشر نیست بلکه الهام و موهبت خدایی است و، از این رو، ماهیتی مقدس و جادویی پیدا می‌کند. تقدس مقام کلمه در این فرهنگ‌ها نیز از همین امر ناشی می‌شود. ← احمدی ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۶۲-۵۵۳؛ نیز ← پروتی ۱۳۷۳، ص ۱۱۱-۱۵۹.

۲۹) این واژه را با واژه سریانی ptq^3 به معنای «لوح نوشتاری» مربوط دانسته‌اند. اما، بدون تردید، این واژه دارای اصل ایرانی است و واژه آسی (ossetic) fädg (به معنای «فانون» بهترین گواه این مدعاست. علاوه برآن، این واژه در متن‌های سغدی مانوی و بودایی نیز بارها آمده است ←

Sims-williams 1988, p 146

30) PADM=*padmacintāmaṇi dhāraṇī-sūtra* → Mackenzie 1976, pp. 14-16.

31) VAJ= *Vajracchedikā* → Ibid, p.4.

32) VAJ II= *VAJ مؤخره قطعه* → Müller-Lenz 1934, pp. 545-548.

۳۳) درمه نامشروط به زبان ساده یعنی آن سویی هر شدن و بودن و مشروط بودن یعنی نیروانه. در بعضی مکاتب بودایی، یک درمه و در بعضی دیگر سه درمه و در بعضی شش درمه نامشروط وجود دارد ← پاشایی ۱۳۶۹، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۳۴) معین ۱۳۴۲، «برتافته» به معنای «تحمل کرده و تاب آورده» است. در این جا به قیاس با آن واژه «برتابنده» انتخاب شده است.

35) P2= *Laṅkāvatāra Sūtra* → Benveniste 1940, 603-912.

۳۶) واژه‌هایی نظیر آغاز، فام، مل و زیور از آن جمله‌اند ← زرشناس ۱۳۶۹ (ب)، ص ۲۶۹-۲۹۳؛ نیز ← Henning 1939, pp. 93-106.

کتاب نامه

- احمدی، بابک ۱۳۷۰: ساختار و تأویل متن، ۲ ج، نشر مرکز، تهران.
 پاشایی، ع ۱۳۶۸: بودا، چاپ چهارم، انتشارات مروارید، تهران.
 پاشایی، ع ۱۳۶۹: تاریخ آیین بودا، ج ۱ (هینه یانه)، سازمان انتشاراتی ابتکار، تهران.
 پاشایی، ع (مترجم) ۱۳۵۷: داه آیین، انتشارات انجمن فلسفه، تهران.
 پروتی، جیمز. ل. ۱۳۷۳: الوهیت و هایدگر، ترجمه محمد رضا جوزی، انتشارات حکمت، تهران.
 زرشناس، زهره ۱۳۶۹ (الف): «قطعه ای به زبان سغدی در نکوهش میخوارگی»، فرهنگ، کتاب ششم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۲۳۳-۲۴۲.
 زرشناس، زهره ۱۳۶۹ (ب): «چند وام-واژه سغدی در شاهنامه فردوسی»، فرهنگ، کتاب هفتم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۲۶۹-۲۹۳.
 زرشناس، زهره ۱۳۷۶: «زبان بلخی» نامه فرهنگستان، شماره ۹، ص ۱۲-۴۰.
 شایگان، داریوش ۱۳۵۶: ادیان و مکتبهای فلسفی هند، ۲ ج، امیرکبیر، تهران.
 شومان، هانس ولفگانگ ۱۳۶۲: آیین بودا، ترجمه ع. پاشایی، انتشارات مروارید، تهران.
 قریب، بدرالزمان ۱۳۷۱: داستان تولد بودا (به روایت سغدی)، نشر آویشن، بابل.
 قریب، بدرالزمان ۱۳۷۴: فرهنگ سغدی (سغدی - فارسی - انگلیسی)، فرهنگان، تهران.
 معین، محمد ۱۳۴۲: فرهنگ فارسی، ۶ جلد، امیرکبیر، تهران.

- BENVENISTE, E. 1940: *Textes Sogdiens* (Mission Pelliot, III), Paris.
 BENVENISTE, E. 1946: *Vessantara Jātaka* (Mission Pelliot IV), Paris.
 COOMARASWAMY, Ananda 1974: *Buddha and The Gospel of Buddhism*, India.
 EDGERION, F. 1970: *Buddhist Hybrid Sanskrit Dictionary*, II vol, New Haven 1953, (reprint Delhi 1970)
 GAUTHIOT, Robert-BENVENISTE, E. 1914-1929: Gauthiot, Robert, *Grammaire sogdiennne*, vol. I, Paris 1914-1923, BENVENISTE, E., vol. II, Paris, 1929.
 GERSHEVITCH, I-1954: *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford.
 HENNING, W. B. 1939: "Sogdian Loan-words in New Persian", BSOAS, pp. 93-106.
 HUMPHREYS, Christmas 1962: *A Popular Dictionary of Buddhism*, London.
 MACKENZIE, D. N. 1970: *The Sūtra of the Causes and Effects. of Actions in Sogdian*, Oxford.
 MACKENZIE, D. N. 1976: *The Buddhist Sogdian Texts of the British library*, *Acta Iranica* 10, Téhéran-Liège.
 MONIER-Williams, M. 1974: *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford 1899 (reprinted 1956, 1960, 1964, 1970, 1974).
 MÜLLER, F. W. K- LENTZ, W. 1934: "Soghdische Texte II", *SPAW*, pp. 502-607.
 SIMS-Williams, N. 1988: "Syro-Sogdica III: "Syriac Elements in Sogdian", *Acta Iranica*, 28, (A green leaf), Leiden, pp. 145-156.
 SIMS-williams, N. 1989: "sogdian", *Compendium Linguarum Iranicum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 173-192.
 UTZ, David, A. 1980: "A Survey of Buddhist Sogdian Studies", *Bibliographia Philologica Buddhica*, Tokyo, pp. 1-17.
 WHITNEY, W. D. 1973: *Sanskrit Grammar*, Delhi 1973. (5th Edition, Leipzig 1924, reprinted, Delhi 1962, 1969, 1973)
 (Numbers refer to paragraphs).